

سرودی از چریکهای فدائی خلق

آهنگ : سرود جوانان (فرزندان سرکشت ۱۰۰۰)

بزم آوران ایسران ما در راه سرودم جان بازاریم
بزرگان منگساران بسروم آزادی انسرانیم
توده پیشوی آزاد ایسران پیشوی آبشار
توده بهیامیز توفان برانگیز برکن بنای ستم
ره کنسای راه توده (رزم ماست)^۱ انعکاس خشم توده (عزم ماست)^۲

ما چریکهای فدائی خلقی ایسرانیم
ره کنسای راه توده (رزم ماست)^۳ انعکاس خشم توده (عزم ماست)^۴

بنگشاد دوم

سرور میزند خورشید از یسی تیرگیهای شوم
رهسد از بند بیداد خلش محروم این مژ و بیم
انگیزن هنگام جنگ است نسی هنگام درنگ است

تسا بر نخیزی تسا خون نسوزی در دهن نگردد زوی
ره کنسای راه توده (رزم ماست)^۵ انعکاس خشم توده (عزم ماست)^۶
ما چریکهای فدائی خلقی ایسرانیم
ره کنسای راه توده (رزم ماست)^۷ انعکاس خشم توده (عزم ماست)^۸

تخصصی در بیان خصوصیت سازمانی و

مبارزاتی جنبش مسلحانه

اوج مبارزات انقلابی ایران علیه رژیم فاشیستی و خودکامه ، در سنگ
مبارزات مسلحانه و پراکندگی و گسترش این مبارزات و ارتباط و پیوند آن با
مبارزات توده های محروم و زحمتکش هر روز بیش از پیش تحت نظارت چریکها
یعنی پیشروان جنبش اخیر را تأیید میکند . ما بساطت آفر سازمانده
در شرایط کونی و هم چنین ترفیع خصومت سازمانی و مبارزاتی جنبش
مسلحانه و پیونده تنگانی این جنبش و پیوند آن با توده های زحمتکش یعنی
کارگران که خرد نیروی شوری و دغاقتان که به بررسی این مطلب
میسرند از بس :

در زمینه امر سازمانده انقلابی که افراد و سازمانهای انقلابی رهبر
مبارزات انجور مسلحانه ضمن اعلامیه ها و رسالات خود نظرات خویش را
بیان کرده اند . آنچه در تمام این نظرات مشترک است اینست که سازمانها
مبارزه مسلحانه در شرایط کونی بایستی بصورت گروه های جدا از هم تشکیل
و حیاتی میبایست خویش را به دست و مسئله وحدت را ضمن مبارزات خود
در میدان مبارزه تأمین نمایند . از میان این نظرات رساله " آنچه یک
انقلابی باید بداند " (نوشته علی آفر صفاقی فراهانی - یکی از
بنیان گذاران سازمان چریکهای فدائی خلق) مسئله سازمانده را بر روشنی
ترسیم کرده است :

" تشکیل گروه یا هسته انقلابی یعنی سلولهای سیاسی - نظامی در داخل
کشور و تشکیل مراکز رهبری و هماهنگ سازی این گروه ها در خارج کشور
اولین گام و در عین حال مهمترین گامی است که باید برداشته شود . . .
و مسردر رهبر هسته انقلابی توضیح میدهد :
" . . . هسته انقلابی شبکه مرکزی است که میتوان از سه نظر تا حد اکثر
چند : ۱ - نظریا سازمان دهد . تشکیل شبکه یعنی بر امکانات محدود
افراد است که باهم روابط طبیعی اجتماعی دارند . مثل افرادی که در
یک مدرسه ، دانشگاه یا دانشگاه کارخانه یا محله یا اداره و بازار
با هم در زندگی روزمره سروکار دارند هسته انقلابی در مرحله
اول حیاتی خود تدارک نیروهای انسانی و مالی و نظامی خود را خود باید
بدهد و بکند و برای تدارک نیروی انسانی نباید با دیگر سازمانها و
گروه ها در داخل کشور تماس برقرار کند . برزانه ایکه هسته بصورت اجرا
میگردد باید بطور جدی یعنی بر نیرو و امکان خود تکیه کند
سازمانهای کوچک و محدود در مقابل پلیس پخوس مقاومت کرده و غیر قابل
تفویذ خواهند بود و بر فرض تفویذ پلیس شکست باعث فاجعه غیر قابل
جبران در حیسات سیاسی جامعه نخواهد شد . "

در مورد اهمیت مجوز بودن هسته ها بد نظری انقلابی و لاقبل وحدت
اراد و تکرار بین افراد هسته که یکی از ضروریات هر هسته است رساله
چنین میگوید :

مبارزان در بند

صورت ده ای از زندانیان چریکهای فدائی
خلیق ، ستاره سرخ ، آرزوان خلیق و
ظلمتین ، مجاهدین خلیق ، سازمان
رهائی بخش و دیگران که در دست دشمن
اسیرند بترتیب تقریبی امارت شرح زیر است :

- الف - از اولین دسته زندانیان که در سال ۴۶
بازداشت شدند و گروه سیاهکل و چریکهای فدائی
خلق با آنها مربوط شد :
- ببین جزئی ۱۵ سال - حسن ظریفی
- ابند - مشرف کاتوی ۱۰ سال - عزیز
- بسرودی ۱۰ سال - عباس موری ۱۰ سال -
- ایسرح افشار ۱۰ سال - محمد جویانزاده
- ۱۰ سال .

ب - از گروه ظلمتین که در سال ۴۸ بازداشت شدند

- شکراله پاک نژاد - مسعود بطحانی
- ابند - ناصر کاخماز - محمد رضا
- شاکر کوش - بهرام شاکر کوش - ابند -
- انگیزی - ابند - ملاحت زنجیر - ابند .
- ج - چریکهای فدائی خلق از ۴۹ به بعد :
- حسین خورشیدی - ابند - عوشنگ دلخواه - ابند -
- ایسرح نیسری - ابند - محمودی ۱۰ سال -
- نور بخش - ابند - علی دلیل صفاقی - ۱۰ سال -
- محمود حسن پور - ۱۰ سال - عطوفی حسن پور - ۱۰ سال -
- عبد الکرم صوری - ابند - علی نظهر مریدی
- ابند - شهبان توگسی ۱۰ سال - انور -
- دقتاسی ۱۰ سال - رفیع برانگسر ۱۰
- سال - حمید ابروییا ۱۵ سال - حسین
- گشاهی - ابند - بهمن راد مرخ ۱۰ سال -
- بهرام قبادی - ابند - محمد آتاجانی ۱۰ سال -
- ایسراهم دل انورده ۱۰ سال - محمد علی یزوی
- مانده در محله در

ایستادگی تقی افغانی ایستادگی ملی ترمیمی آید - رضا حاجیان ۳ سال - حسن فرزانگان ۳ سال - پیروز حقی ایستادگی - رضوان شرمندی - شوشا - ایستادگی - آریب - ۳ سال - ماهی ۳ سال - نصرالله جوانی - ۴ سال - سهراب - ۵ سال - احمد رضا شماعی ۱۱ سال - ناهید - آزادی ایستادگی - جوان اسکویی ایستادگی - ۱۰ سال - آهنگری ۱۲ سال - نورالدین ۹ سال - ۱۰ سال - کریمیان ۱۰ سال - حمیدیان ۱۰ سال - غلامحسین فرزند ۲ سال - پیروز سلیمانی ۳ سال - احمدیان ایستادگی - عبداله احمدزاده ایستادگی - پیروز احمد زاده ۵ سال - اینها برادران خود زاده و نسبی هستند - رضا نصی ۱۰ سال - محمد دهقانی ۴ سال - رضا عنبرانی ۴ سال - عدای از این گروه بلا تکلیف اند از آن جلسه فرخ نکمهر (قبلا همراه گروه ۱۴ نفر دستگیر و محکوم شد و پس از چند سال آزاد شد در حال گذشت دولت افغانستان او را به مقامات سازمان امنیت به ۵ هزار تومان فریخت) سلطه جعفری - محمود راهگل - علی خانی - صالح - سهراب - افشار قاسمی - غلامرضا بیگلری و دیگران - هم چنین از این گروه حسن جعفری و احمد - احمدی در دو دادگاه با عدم محکوم شده بودند که با یک وجه تخفیف برزند ان ایستادگی محکوم شدند هر دو تن مبارز در دادگاه دفاعی جانانده و عالیسی گردید .

د - از گروه ستاره سرخ : علی شکوهی ایستادگی - احمدیان ایستادگی - حسین هاشمی ایستادگی - محمد فارسی ۱۰ سال - عباس توفیق ۱۰ سال - هدایت اله غفاری ۱۰ سال - عزیز غفاری ۱۰ سال - فرخ اله سرکوهی ۱۰ سال - مهذب زاده ۱۰ سال - هادی غفاری ۱۰ سال - حسین سحر خیز ایستادگی - اسماعیل مابیدی و عبداله قربانی و ده دیگر بلا تکلیف هستند .

ه - از آرمان خلعتی : محمد دست پیروزه ایستادگی - حقیقت ۱۰ سال - و از سازمان مجاهدین خلق ایران :

مهندس علی تشید آید - مهندس سهراب آید - موسی نصر اولی آید - مهندس سرحمد مهد کاشانی آید - بهمن بازرگانی آید - فتح اله خامنه ای آید - ناصر معاونی آید - مهندس سعید علی محطی آید - طهرضا زمره یان ۱۵ سال - پرویز یعقوبی ۱۰ سال - محمد صادق ۴ سال - مهندس سعادت اله محاسبی ۸ سال - مهندس سیدان حاج حمزه ۳ سال - مهندس سرحمد ساجدی ۳ سال - وعده دیگر .

ز - از یک سازمان سیاسی - نظامی که در سال ۱۳۰۰ بازداشت شدند :

کاکم نادور ۱۵ سال - ملا رضائی ککاش ۱۵ سال - ضیاءالدین طباطبائی ۱۰ سال - ناصر سیزدلی جمال - علی زاده و چند تن دیگر .

ح - افراد سازمان رهایی بخش که در انتظار محاکمه اند و خطر اعدام برای عدای از آنها وجود دارد :

سیروس شایانندی - داود ایزدخواستی - احمدی - کمانی - اکبر انزلی پناه - محمد جلالی - مصدوم مولانا زاده - حسین نهانندی - فاطمه نهبانندی - کوروش کیکاشی - کاظمیان - حسین کوهنورد - سید ی کوهی - اسکندر جلالی - مرتضی محمد پور - اردلان .

ط - یک هفته سیاسی - نظامی کوچک در شمال در سال ۵۰ (آبان ماه) بازداشت شده اند . این عدای سه طایفه نصرت و فرمانداری لنگرود و آتش زده اند و در زندان رشت بسر میبردند . افراد این گروه عبارتند از :

محمد فرجندی (دبیلچه) - احمد غلامی (شیاطیل) - علی نطق جیان (دانش آموز) - پوریانکا (دانشی) - آویز - این فرد برادر پوریانکا می باشد . ی - یک گروه مطالبه های سیاسی در شمال بازداشت شده اند و در زندان رشت بسر میبردند ؛ خسرو رمانی (دبیر) - شعبان رنج ککر (دبیر) - اسمعیل باقری (معلم) - مهدی باقری (دانشجو) - ی نوری (معلم) - احمد صالحی (دانش آموز) - احمد مرادی (معلم) - گد اعلی خباز (کارگر) - حسدانی (سپاهی) و چند تن دیگر .

ک - یک هفته سیاسی دیگر در رشت ؛ مسعود ابراهیمی فر - رضا فایز لوز - ناصر زراعتی - چاروشی - این افراد همه دانشجو و دانش آموز هستند و در پناه ۵۰ بازداشت شده اند .

ل - یک گروه سیاسی دیگر در گیلان بازداشت شده اند ؛

بهزاد کرگانی (دانشجوی پزشکی مشهد) - سیروس

قبر نیا (کارمند) - رحیم شیخ زاد (سپاهی) - فتحعلی زاده - نوران کلنگی - نیک پیام (مهر) - مه نادر دانش آموز هستند - رضا تربیتی - میقاته شفاعت دستگیر دانشجوی فنی تهران - طهرضا ایران منش - محمد رضا نوقی زنده - جواد شایان و مجتبی ولی زاده و سیروس جاویدی و عزیز حرمه در ناصر (هر چهار نفر دانشجوی فنی تهران) طهرضا ادات پورن - علی نیلجیان - علی کاوندی و عدای دیگر که همه در زندان رشت هستند .

م - یک گروه سیاسی در تهران اوائل تابستان ۵۱ بازداشت شده اند ؛

عبدالمجید روشنگر (دانشجوی پزشکی) - اسماعیل بهیودی (پزشکی) - جواد شایان (دانشجوی فنی) - حسین کریمی - احمد صفزاد - ابراهیم خیسری - محمد علی بیگلری - غلامرضا مرادیان - ابراهیم سلیمی بروغین - اسکندر لطیفی - صادق قنبریان - تره کار - حسین راهمی پیروز و چند تن دیگر .

ن - یک هفته سیاسی در تهران بازداشت شده اند مصطفی مدنی (دانشجو) - کاکم صدقی نژاد - احسان روحانی - اخلاقی و چند تن دیگر .

ت - یک گروه سیاسی در اسفند ۵۰ بازداشت شده اند ؛

حسنت لاریجانی - مسعود مدنی - کریم ختاب - علی لاری - هوشنگ طلی اکبر - جواد واکار - حسین هاشمی - حسین فردوس - رستم بروی - حسین جنت - احمد پیروزخواست - حسین ریاحی - علی اله نصیری و ده دیگر .

ث - عدای از دانشجویان کشاورزی که به علت فعالیتهای علمی و سیاسی بازداشت شده اند ؛ احمد کابلی - عبد الرحیم خسروی - حسن طباطبائی - منصور شاد کریمی - پیران عزیز - مجید علیزاد - اصغر زاهدی - حسن شاعرینی - غفایر مهدی - طهرضا شهبانی - علی کریمی - مهدی حاج محمدی - اشعری باقری - میرحسینی - هاشم بهائی - سعید رادمانی - علی قوامی - محمد رضا محمودیان - علی سرکاراتی - جندی - علی یارمحمدی - پیروز یادگاری .

ذ - عدای از طلاب قم (مدرسه فیضیه) بازداشت شده اند ؛

محمدی پیر - خزانلی - شایان - ربیعی - رضایی - حجازی - سعادت - زند - وکیل - محمد یقوای - کاکاشی .

ص - عدای که به علت فعالیتهای سیاسی - مذهبی بازداشت شده اند ؛

جواد صفیری - راستگو - رشیدی - واعظی - مهدی - بهنارانی (برادر مرحوم محمد بهنارانی شهید) - محمد کزازی - احمد جباری .

ض - از گروههای پراکنده و افراد زیر محکومیت منگین گرفته اند ؛

بیتون چهارازی ۱۲ سال - علی عسکری ۱۰ سال - علی رضا مهدی ۴ سال .

منتشر شد :

نوشته :

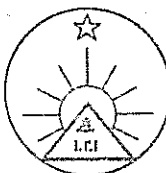
علی اکبر صفائی فراهانی

(برادر واد جبرئیل مسگر در سرد ساخت)

آچه یک انقلابی باید بداند

ضمیمه :

در خدمت جنبه آزادی بخش ملی ایران



۱۹ بهمن

نابود باد سلطه دهنشانه شاه این عامل ارتجاع و امپریالیسم

مختصری در باره شکنجه

در میان مردم ایران و آنگاه ای نسبت به توان بالا از جانب سازمان میهن‌مداران شرف ایران منتشر گردید. از آنجا که این سند بخاطر توضیح و تشریح شکنجه‌های رژیم و نحوه برخورد، سازمان‌های مبارزه مسلحانه با این مسئله و همسایه چنین مقاصد نبردها، هم‌چون کمیته‌های شهری در تهران، ایسین و کمیته‌های چنان در رژیم حاضر از اهمیت بسیار است لذا در زیر چکیده این اعلامیه را از نظر خواننده گان بزرگوار می‌نویسیم:

مردان آزادی‌خواه، بر روی مقاومت فردی اعتماد نکنید. در زیر شکنجه ننگه کند. همه اشخاص در ایران عا و اراد و با بربر نیستند. پاره ای شرف و پاره ای زبونند و انبوهی نیز در میان اینده و حد قرار دارند. بدینسان است که یک میانه امیر و طبقه دارد بر طبق شناخت انقلابی خود در برابر هر گونه فشاری باید اوری کند. اما سازمان‌ها نیز باید. خود را طوری شکل دهند که هر آنچه ضروری از آن با سادت رفت بپردازند تمام ارتباطات و آگاهیه‌های تشکیلاتی او را قطع کند تا اگر زنده انی در زیر شکنجه چیزی را لو نماند کزنی و سازمان نرسد. بویژه یک سازمان انقلابی باید برای افراد خود بدت زمانی صحن را جهت باید اوری در زیر شکنجه تعیین کند. این بدت زمان شرط است بدت زمانی که سازمان خود را در یک کردن تمامی راه‌ها توانا می‌بیند تا بدینسان حقایق بر نیاید بری میان خود و پادشاهیک. هر چه این بدت باید اوری کوتاه تر باشد سازمان اصولی تر است. پس از باید اوری اولیه ممکن است بدت‌ها در زیر شکنجه مدوم تسلیح شوند و یا تا آخرین نفس مقاومت کنند. در هر حال زمانی سازمان نخواهد خورد. تعیین بدت زمان باید اوری در ارای ضرورت اصلی است. ولو اینکه تمدن شکنجه یک انقلابی برای سازمان ضروری باشد. پس اعلامیه به شرح شکنجه‌های "آریا مهری" می‌رود از:

شکنجه‌های کوبه‌گین در زنده‌انهای آریا مهری رایج است. بطور محلی همینکه چریکی امیر شد او را در اطاق می‌زنند که کرد آن افراد بعد در دوره دیده ای ایستاده اند. امیر را با مشت و لنگ بیکدیگر پاس می‌دهند که منجر بخوشی و شوکتن اعضای امیر میشود. نتیجتا امیر از خوشی بیرون او را به بیرون می‌آورند و این اعمال را بدت هفت‌الی هشت ساعت ادامه میدهند. چریک‌ها نام این اطاق را "اطاق قوتیبال" گذارده اند. این عملیات برای اقتضای در ذهن چریک انجام شده تا بدینوسیله بتوانند سیستم پاسخ داریا که چریک برای خدمت با نظام ساخته در هم بشکنند. پس از آن نوبت بیک بازجویی خسته کننده میرسد با بی‌خوابی و زبون فراوان میرسد. از آنجمله که چریک قوتیبال اندیشه خود را منظم کند و در نتیجه بدون اراده سخن گوید. بازجویان بدت غمگنی عرض می‌کنند ولی چریک ثابت است. اگر او اینها نسیبیه حاصل نشود عملیات بدت‌ی که شامل کشیدن ناخن سندان بر روی منقل برقی است شکستن اعضا، شلاق زدن بکف یا وغیره است شروع می‌شود که گاه تا چند ساعه ادامه دارد. این اشرفیست برای انقلاب فد. استعماری جهان که در سالهای اخیر حمل عظیمی از انقلابین خانی ما با اینانی انقلابی و شکل ناید بر تحمیل شکنجه‌های آریا مهری را نمودند و حتی در بعضی موارد زیر شکنجه جان دادند بدین اینکه بدترستی راه خود را به‌حقانیت انقلاب نیده ها شک کنند.

از نظر متخصصین "مدل پهلوی" دردناکترین شکنجه‌ها شلاق زدن با کابل برقی به‌گف باست. تمدن در مقام ضرباتی که یک زندانی تحت این عمل و شکنجه قرار میگیرد نامعلوم است. در هرصورت اینها زخمی باز می‌شوند خونریزگی‌های شدیدی بوجود می‌آید و یا زخم می‌کند و راه رفتن بدترین عذاب است. در بعضی موارد کف یا تاسا

در میان مردم ایران و آنگاه ای نسبت به توان بالا از جانب سازمان میهن‌مداران شرف ایران منتشر گردید. از آنجا که این سند بخاطر توضیح و تشریح شکنجه‌های رژیم و نحوه برخورد، سازمان‌های مبارزه مسلحانه با این مسئله و همسایه چنین مقاصد نبردها، هم‌چون کمیته‌های شهری در تهران، ایسین و کمیته‌های چنان در رژیم حاضر از اهمیت بسیار است لذا در زیر چکیده این اعلامیه را از نظر خواننده گان بزرگوار می‌نویسیم:

مردان آزادی‌خواه، بر روی مقاومت فردی اعتماد نکنید. در زیر شکنجه ننگه کند. همه اشخاص در ایران عا و اراد و با بربر نیستند. پاره ای شرف و پاره ای زبونند و انبوهی نیز در میان اینده و حد قرار دارند. بدینسان است که یک میانه امیر و طبقه دارد بر طبق شناخت انقلابی خود در برابر هر گونه فشاری باید اوری کند. اما سازمان‌ها نیز باید. خود را طوری شکل دهند که هر آنچه ضروری از آن با سادت رفت بپردازند تمام ارتباطات و آگاهیه‌های تشکیلاتی او را قطع کند تا اگر زنده انی در زیر شکنجه چیزی را لو نماند کزنی و سازمان نرسد. بویژه یک سازمان انقلابی باید برای افراد خود بدت زمانی صحن را جهت باید اوری در زیر شکنجه تعیین کند. این بدت زمان شرط است بدت زمانی که سازمان خود را در یک کردن تمامی راه‌ها توانا می‌بیند تا بدینسان حقایق بر نیاید بری میان خود و پادشاهیک. هر چه این بدت باید اوری کوتاه تر باشد سازمان اصولی تر است. پس از باید اوری اولیه ممکن است بدت‌ها در زیر شکنجه مدوم تسلیح شوند و یا تا آخرین نفس مقاومت کنند. در هر حال زمانی سازمان نخواهد خورد. تعیین بدت زمان باید اوری در ارای ضرورت اصلی است. ولو اینکه تمدن شکنجه یک انقلابی برای سازمان ضروری باشد. پس اعلامیه به شرح شکنجه‌های "آریا مهری" می‌رود از:

شکنجه‌های کوبه‌گین در زنده‌انهای آریا مهری رایج است. بطور محلی همینکه چریکی امیر شد او را در اطاق می‌زنند که کرد آن افراد بعد در دوره دیده ای ایستاده اند. امیر را با مشت و لنگ بیکدیگر پاس می‌دهند که منجر بخوشی و شوکتن اعضای امیر میشود. نتیجتا امیر از خوشی بیرون او را به بیرون می‌آورند و این اعمال را بدت هفت‌الی هشت ساعت ادامه میدهند. چریک‌ها نام این اطاق را "اطاق قوتیبال" گذارده اند. این عملیات برای اقتضای در ذهن چریک انجام شده تا بدینوسیله بتوانند سیستم پاسخ داریا که چریک برای خدمت با نظام ساخته در هم بشکنند. پس از آن نوبت بیک بازجویی خسته کننده میرسد با بی‌خوابی و زبون فراوان میرسد. از آنجمله که چریک قوتیبال اندیشه خود را منظم کند و در نتیجه بدون اراده سخن گوید. بازجویان بدت غمگنی عرض می‌کنند ولی چریک ثابت است. اگر او اینها نسیبیه حاصل نشود عملیات بدت‌ی که شامل کشیدن ناخن سندان بر روی منقل برقی است شکستن اعضا، شلاق زدن بکف یا وغیره است شروع می‌شود که گاه تا چند ساعه ادامه دارد. این اشرفیست برای انقلاب فد. استعماری جهان که در سالهای اخیر حمل عظیمی از انقلابین خانی ما با اینانی انقلابی و شکل ناید بر تحمیل شکنجه‌های آریا مهری را نمودند و حتی در بعضی موارد زیر شکنجه جان دادند بدین اینکه بدترستی راه خود را به‌حقانیت انقلاب نیده ها شک کنند.

از نظر متخصصین "مدل پهلوی" دردناکترین شکنجه‌ها شلاق زدن با کابل برقی به‌گف باست. تمدن در مقام ضرباتی که یک زندانی تحت این عمل و شکنجه قرار میگیرد نامعلوم است. در هرصورت اینها زخمی باز می‌شوند خونریزگی‌های شدیدی بوجود می‌آید و یا زخم می‌کند و راه رفتن بدترین عذاب است. در بعضی موارد کف یا تاسا

در میان مردم ایران و آنگاه ای نسبت به توان بالا از جانب سازمان میهن‌مداران شرف ایران منتشر گردید. از آنجا که این سند بخاطر توضیح و تشریح شکنجه‌های رژیم و نحوه برخورد، سازمان‌های مبارزه مسلحانه با این مسئله و همسایه چنین مقاصد نبردها، هم‌چون کمیته‌های شهری در تهران، ایسین و کمیته‌های چنان در رژیم حاضر از اهمیت بسیار است لذا در زیر چکیده این اعلامیه را از نظر خواننده گان بزرگوار می‌نویسیم:

مردان آزادی‌خواه، بر روی مقاومت فردی اعتماد نکنید. در زیر شکنجه ننگه کند. همه اشخاص در ایران عا و اراد و با بربر نیستند. پاره ای شرف و پاره ای زبونند و انبوهی نیز در میان اینده و حد قرار دارند. بدینسان است که یک میانه امیر و طبقه دارد بر طبق شناخت انقلابی خود در برابر هر گونه فشاری باید اوری کند. اما سازمان‌ها نیز باید. خود را طوری شکل دهند که هر آنچه ضروری از آن با سادت رفت بپردازند تمام ارتباطات و آگاهیه‌های تشکیلاتی او را قطع کند تا اگر زنده انی در زیر شکنجه چیزی را لو نماند کزنی و سازمان نرسد. بویژه یک سازمان انقلابی باید برای افراد خود بدت زمانی صحن را جهت باید اوری در زیر شکنجه تعیین کند. این بدت زمان شرط است بدت زمانی که سازمان خود را در یک کردن تمامی راه‌ها توانا می‌بیند تا بدینسان حقایق بر نیاید بری میان خود و پادشاهیک. هر چه این بدت باید اوری کوتاه تر باشد سازمان اصولی تر است. پس از باید اوری اولیه ممکن است بدت‌ها در زیر شکنجه مدوم تسلیح شوند و یا تا آخرین نفس مقاومت کنند. در هر حال زمانی سازمان نخواهد خورد. تعیین بدت زمان باید اوری در ارای ضرورت اصلی است. ولو اینکه تمدن شکنجه یک انقلابی برای سازمان ضروری باشد. پس اعلامیه به شرح شکنجه‌های "آریا مهری" می‌رود از:

شکنجه‌های کوبه‌گین در زنده‌انهای آریا مهری رایج است. بطور محلی همینکه چریکی امیر شد او را در اطاق می‌زنند که کرد آن افراد بعد در دوره دیده ای ایستاده اند. امیر را با مشت و لنگ بیکدیگر پاس می‌دهند که منجر بخوشی و شوکتن اعضای امیر میشود. نتیجتا امیر از خوشی بیرون او را به بیرون می‌آورند و این اعمال را بدت هفت‌الی هشت ساعت ادامه میدهند. چریک‌ها نام این اطاق را "اطاق قوتیبال" گذارده اند. این عملیات برای اقتضای در ذهن چریک انجام شده تا بدینوسیله بتوانند سیستم پاسخ داریا که چریک برای خدمت با نظام ساخته در هم بشکنند. پس از آن نوبت بیک بازجویی خسته کننده میرسد با بی‌خوابی و زبون فراوان میرسد. از آنجمله که چریک قوتیبال اندیشه خود را منظم کند و در نتیجه بدون اراده سخن گوید. بازجویان بدت غمگنی عرض می‌کنند ولی چریک ثابت است. اگر او اینها نسیبیه حاصل نشود عملیات بدت‌ی که شامل کشیدن ناخن سندان بر روی منقل برقی است شکستن اعضا، شلاق زدن بکف یا وغیره است شروع می‌شود که گاه تا چند ساعه ادامه دارد. این اشرفیست برای انقلاب فد. استعماری جهان که در سالهای اخیر حمل عظیمی از انقلابین خانی ما با اینانی انقلابی و شکل ناید بر تحمیل شکنجه‌های آریا مهری را نمودند و حتی در بعضی موارد زیر شکنجه جان دادند بدین اینکه بدترستی راه خود را به‌حقانیت انقلاب نیده ها شک کنند.

از نظر متخصصین "مدل پهلوی" دردناکترین شکنجه‌ها شلاق زدن با کابل برقی به‌گف باست. تمدن در مقام ضرباتی که یک زندانی تحت این عمل و شکنجه قرار میگیرد نامعلوم است. در هرصورت اینها زخمی باز می‌شوند خونریزگی‌های شدیدی بوجود می‌آید و یا زخم می‌کند و راه رفتن بدترین عذاب است. در بعضی موارد کف یا تاسا

افتخار بر اشرف دهقانی، همایون گتیرانی، نایب‌دول و بدیع زادگان

چرا سرتیب طاهری اعدام شد

پنجم - نما و پنجم فلسفین تهرمان ایران

بنا لاجرم اعدام بود؟

پنجشنبه روز یکشنبه ۲۷ فروردین ۱۳۰۶ در ساعت ۶ و ۱۰ دقیقه حکم دادگاه انقلابی طاهری در مورد سرتیب محمد طاهری صادر شد. سرتیب که گروه از جوانان تهرانی را گردانیده بود. پس از اجرای حکم مسلح کتبی و کتبی طاهری را شش و نوزده ساله و بیست و یک ساله متهم به بیگانه خوردن با کشتن و ظاهری کشته بشود؟ باستانون منافع چه کسانی را بگردان داشت؟ دستهای و چکمه های بیخون چه کسانی آغشته بود؟

۹ ساله از تیم خونین که فروردین ۲۲ میگذرد. همه در آن روز خونین سرنگی درم لاجرم پلید و آدمکش را دیدند که با تاجهای سبز رنگه یونان مزبور در راس خود آنها مردم بی گناه را بر سرهای خود نگار گلوله قرار میدادند. در آن روز خونین طاهری تا آنجا رسیدند که دستها را شکستند. خونها ریخت و دماغهای سوزنده بر ناله غلغله میزدند. طاهری تا آنجا رسیدند که دستها را شکستند و بی بی سرور کتبی و بی بی سنا کتبی بود که لاجرم بدرجه سرشناسی ارتقاء پیدا کرد. در آن روز خونین نهمه فرهاد تنها مردم توانستند بگریه دروغ در پشتوان فرو کنند که بعد از ساعتی بعد با غمی زیادتر و کتب بر لب آورده دوباره میدان آمد و انتقام یکدیگر فرسود با دعا کشته گرفتند. جنازه های این ناظر را شهیدکس از یاد نبرد و همه این سنا کتبی از تنگنمایی بر نوزدهم انتقام مردم دور نماندند. هیچکس کشتار بی رحمانه مردم کتبی بیرون و راهی با دست این تا تسلس حرفه آید و این سنا کتبی در روزهای نهمه فرهاد ۲۷ از یاد نخواهد برد.

لاجرم در آن روز در تهران جاده چکمه بیرون خیابانهای تهران در روزهای خونین فرهاد ۲۷ و هم در تهران ست و حتی با مدار منافع سرمایه داران غارتگر و وابسته داخلی و خارجی در حمله به کارگران بیگناه کارخانه چینی و جهان چیت دیده ایم. همان طاهری قابل که براحتی آب خوردن مدعا نشر را در فرهاد خونین بگلوله بست برسر یک چشم بهمزدن اعتراض آرام و مالومات کارگران بیگناه جهان چیت را که بنا بر نتایج اعتراضی نا بهوش بر دست مردم خود صدمت گرفت بود. جمالی آرا و نراسنگی در راه کرم با رکیار مسلسل بخاک و خون کشید و دنیا غنای خود فقیر و فرزندان معصوم آنها بی سر پوست گذاشت.

طاهری قابل همان کسی بود که با خیریت چکمه های جان خوب منزل آیت الله خمینی را در هم شکست و در حمله مسلحانه آن را با ساروت برد و خمین بر این گستاخی و پلیدی بی باک بود. طاهری قابل همان کسی بود که در مقام فرماندهی کار و وحشی شهربانی و پلیس ضد اغتشاش با حمله به دانشگاه صنعتی سخن دانشگاه را از خون داغجویان آزاد بخواره گلگون کرد و همان روز در شکنجه گاه شهربانی آنها را بلاق و شکنجه بست.

طاهری همان کسی بود که در حمله مکرر بدانشگاه تهران در واسنگهای تربیت شده اند. کما نود طای کار شهربانی مسلح دانشگاه را دور میزد و با با ترم و گاز اشک آور و گازه خود و سیر داغجویان آزاد بخواره را بگلوله خون کشید. هیچکس چهره طاهری جمالی بستند در حمله بدانشگاه تهران و منتهی از یاد نبردند است. کتبی بیخونها بی او در مورد دختران شهربانی دانستند و وحشیگریهای علیه سایر داغجویان تهران دانشگاه را خاردها باقی است. و این همه سنا کتبی بست طاهری انجام گرفت که طاهری قابل و میاد از او بعنوان اغتشاش "موتی" "ججاج" و "توتوت" یاد میکنند و از اغتشاشان پلیس میشوند که راه و شخصیت او را سرخ خود قرار دهند. . . . و سر انجام لاجرم همان کسی بود که در مقام فرماندهی پلیس ضد اغتشاش و گارد شهربانی سالها بر سرکوبی آزاد بخواره بر داشت. همه بیاد دارند که چگونه این قابل ظواهر ضد اسرافیلی را در موضع مسابقات ایران و اسرافیل سرکوب کرد و عده زیادی را مجروح و زندانی ساخت.

دو سال پیش طاهری قابل به معاونت پلیس تهران رسید و سپرد استزدانها و شکنجه گاههای شهربانی بساو حواله شد و از سال ۱۳۰۶ در نشان فرادنی کتبی مشترک ساواک - شهربانی - ارتش با هم کمیته تحقیق و قصد خرابکاری ملی تحت کوراهی در تهران از نوزدان تهران و دلاور ظن را بعد از ماهها شکنجه و حیا نند و حیوانی بتناز رساندند. او نه تنها از شکنجه و تمل انزال بیون لذت میبرد بلکه از شکنجه پدر و مادر پسر انقلابیون نیز خورجوری نمیکرد. کاشی بود که مسکاران زیر دستها نژادی در اعمال شکنجه و آزار نسبت به مردم و کتبی و انقلابیون حتی بقرچ شدند تا مواج با ختم فرمانده قاطع حریت شوند - بیاس همه این سنا کتبی و جنازه بود که در وقت پسر بدرجه سرتیب رسید - طاهری قابل در همان زمان که طاهری تا آنجا رسید که دستها را شکستند و بی بی سرور کتبی و بی بی سنا کتبی بود که لاجرم بدرجه سرشناسی ارتقاء پیدا کرد. در آن روز خونین نهمه فرهاد تنها مردم توانستند بگریه دروغ در پشتوان فرو کنند که بعد از ساعتی بعد با غمی زیادتر و کتب بر لب آورده دوباره میدان آمد و انتقام یکدیگر فرسود با دعا کشته گرفتند. جنازه های این ناظر را شهیدکس از یاد نبرد و همه این سنا کتبی از تنگنمایی بر نوزدهم انتقام مردم دور نماندند. هیچکس کشتار بی رحمانه مردم کتبی بیرون و راهی با دست این تا تسلس حرفه آید و این سنا کتبی در روزهای نهمه فرهاد ۲۷ از یاد نخواهد برد.

مسانده از صفحه هفتم

روزنامه سیاسی مسرهم

بهمن سال بی نصیبی و بی میلی سازمانهای سیاسی است سرعت جای خود را به اعتقاد به نفس و مقاومت در مقابل رژیم نازیستی برده شد. در این میان رومیه عالی و سرشار از انتشار ناروان و پدران و بستگان سازمان جنبشها در توجه خاص است. پدر و مادر و رفقای از جمله والدینی هستند که نسبتی خدائگاری و قهرمانیتند. مادر زهرا بی در دادگاه از مهدی شرابست که پیراهن تیره سبزی آید و آثار شکنجه را نشان میدهد. پس از آنکه مهدی دلاور را کشتند مادرین خانه رفائی را اشتغال کردند تا از برگزاری مراسم ختم جلوگیری کنند. اما سید جمعی که در این اطلاع قبلی خانه را امنایه کرد چندان بسود که ساواک و شهربانی قادر به متفرق کردن فرقی آنها نشدند. در این هنگام مادر مهدی بر پشت بسام رفت و خطاب به جمعیت از فرجه چینی گفت: "آه آید با تملیقت بعد از ما مهدی شهید شد و شهیدان تمامیت میخوانند. توبله میخوانند. مهدی فقط پسر من نبود. پسر تمام ملت بود و برای آزادی من و وطن شهید شد. من از آنکه آمدند و مسلمان را از دست داده ام ناراحت ترستم بلکه خوشنالم و افتخار میکنم که فرزندانم شهید شده اند. اگر من فرزندان دیگر داشتم میفرستادم. این مادر دلاور نقشه مجال پیدا کرد که در وقت نهمه فرهاد در جمعیت کتبی فریاد بزند و در این مراسم شرکت داشته باشد. از آنجا که کتاب حرفه زد.

پس از آن پلیس با کمک کورتن از کلانتریهای اطراف موقت میفرستاد مردم را متفرق کند. در همین روز پدر رفائی جارا (که قبلا هم بازداشت شده بود) بسنه کلانتری اعشار میکنند. رفائی که تفری شروع میدهد میگردد که حق برگزاری مراسم شب هفت و چهارم پسرش را ندارد. پدر شجاع در جواب فریاد میزند: "من دیگر چیزی ندارم از دست بدم. پسرانم را از من گرفته اند. بدبخت ما شما بزرگوار میسر و پهل خیزتان بگنید. مردم را خونری کرده اید. وای پسر مسلمان! رفائی کلانتری که از این همه شجاعت و جرات یک پدر به دست میآید با تفری و جاپا فریاد میکنند. چشم من و بچه دارم. پسر ختم پلیس بر سر شامست. من حال شمارا میفهمم وای چنگار کم که ساواک و بالا بنا دستور داده اند از مراسم جلوگیری کنم." نمونه این مادر و پدر قهرمان در گذشته نزد یک زیاد بوده اند. مادر سعید آریسن و پدر احمد زاده ما از جمله این شیرانند. افتخار پسر آنها.

مسانده از صفحه مردم

دقتی در باره شکنجه

احمال که اسیر نقطه ضعف نشان دهد، تکیه کرده و فشار میآورد. و بالاخره اعلامیه با این عبارات شامته میدهد: " برای تحمل انواع شکنجه ها در روش در جهان نیست مگر ایران، عشق و نرفت. باید وفادار بود و اطیمان داشت که در انسان نیروی است که تا کنون هیچ شکنجه و زنجیری کشف نشده است که بتواند آنرا نابود کند. نیروی عشق و ایمان ازین برتر است. باید نفرت داشت. ما بین خود و دشمن هیچ ریشه ای جز ریشه کینه و انتقام نباید احساس کنیم. باید دشمن را برایش دشمن دانست. دشمن خدشهای در این اندیشه به من سفوف و قهرانی تسلیم است و چه قهرانی مغربی. میان انقلاب و ضد انقلاب هیچ چیز جز نفسیر نیست و دشمن را عشق و نرفت به جنسی میآورد. باید از عشق با انقلاب و نرفت به ضد انقلاب لیسریز بود."

اطلاعیه نظامی شماره (۴) مجاهدین خلق

بنام خدا و بنام خلق قهرمان ایران

اطلاعیه نظامی ۴

شماره ۴ از مجله هشتم
علیایا و روایت های جلیلی...

در ساعت ۲ بعد از ظهر روز دوشنبه دوم مرداد ۵۱
مجلس شورای آذربایجان در پانزدهمین جلسه در محل
تهران مورد حمله عناصر دشمن قرار میگردد. اوبی
تمام قوا بمقابلت مسلحانه برنامسته و یک تنه با
پوناب نارنجک و تیراندازی، نیروهای دشمن
را مورد حمله قرار میدهد. صفاری بنا بر گفته روزنامه
های دولتی صحت ۴ ساعت با تیراندازی تمام و تمام
آخرین نشانه بی جنگند و سازمان شهبان میشوید.
مجلس شورای آذربایجان در سال ۱۳۱۳ متولد شد
پس از طی دوره دبیرستان به نیروی هوایی وارد
شد ولی به علت سرپر شهر و فعالیت های سیاسی از
ارتش اخراج گردید. سیریزاد دانشگاه
حقوق شد. سپس در سالی که در سازمان سیاسی
مخفیانه فعالیت میکرد، در فعالیت های سیاسی -
حقوقی ۴۰ - ۵۰ شرکت کرد. از سال ۴۵
تمام وقت خود را صرف مبارزه مخفی و تدارک
مسئله های خود و تحصیل خود را نیمه تمام گذاشت.
پس از بازداشت گروهی از همزمانی در سال ۴۶
مخفی شد. او همراه صفائی فرغانی به فلسطین
رفت و در تهریه و تبریز در آن فلسطینی علیه امپریالیسم
و صهیونیسم جنگید. بعداً با ایران آمد و برای
شروع نیرو مسلحانه رسماً دست بکار شد. پس
از حماسه سیاهکل و جهاد تالی اگر صفائی
فراغانی همراه سایر مبارزان، بر سر راه جنبش
پرداخت و اتمام انقلابی فرسوی خائن را همراه
با اسلحه صادق نژاد تدارک و اجرا کرد. از این
زمان سازمان انقلابی تحت نام چریک های فدائی
خلق به فعالیت خود ادامه داد و وحدت بعنوان
یکی از رهبران و فرماندهان همراه با پرویز پیمان
و احمد زاهد و وحدت اشرف، سازمان را رهبری
کردند. صحنه صفاری بارها برای تأمین اسلحه
مورد لزوم جنبش خارج رفت. او فرماندهی
شعبه ۴، خوشساز و کم حرف بود.

توسعه مسلمانان هفتم مرداد ۵۱

در وقت مرداد سه تن از چریک های فدائی خلق
در پایگاه خود در خیابان شهرریز مورد هجوم
عوامل دشمن قرار میگرفتند و پس از نزدیک چهار
ساعت تیر خونی فرخ سپهری، فرامرز شریفی
و مهدی فیضی کلام شهادت رسیدند. بنا با اظهار
پایساز و همین روز چریک دیگری بنام عزت شاهین
در اثر انفجار مواد منفجره در یک تاکسی ۴ در
خیابان فردوس ۴ شهید شده است.

منفجر کردن منارت اردن در تهران

سحرگاه پنجشنبه ۱۲ مرداد ۵۱ ساعت ۵ صبح
ساختمان منارت سلطنتی اردن در خیابان بفارست
بوسیله بمب ساعتی نیرومند که توسط یک گروه از
مجاهدین کار گذاشته شده بود، منفجر میشود.
شده انفجار بعدی بوده است که شیشه های
ساختمان منارت سلطان نشین منقط و همان که
در ۵۰ متری این انفجار قرار داشته خرد میشود.
توضیح کامل این خبر را در اعلامیه شماره ۴
سازمان مجاهدین خلق ایران که در همین شماره
چاپ شده است بخوانید.

انفجار ساختمان دفاع غیر نظامی

انفجار کلب شاهنشاهی

انفجار فروشگاه شهسواران

انفجار تماشاگاه صنایع نظامی

انفجار پاسگاه قلم

شماره در مجله هشتم

سحرگاه پنجشنبه دوازدهم مرداد ماه ساعت ۵ و ۵۰ ساختمان منارت سلطنتی اردن در خیابان بفارست منفجر شد
بسیار سختی نیرومند و هیوان کشنده که توسط یک گروه از مجاهدین کارگزاری شده بود - بند شاسیدید - دستا نظار
بعدی بود که علاوه بر فرود آمدن دیوار منارت و ریخته آوارش خسرت بزرگی در بدنه ساختمان و باره در و پنجره
آن نیز بطلی در عم شکست. دشمنین در اثر این انفجار تا صبح ۵۰۰ متر کلبه شیشه های ساختمانهای اطراف از
جمله سفارتخانه سلطان تالین و سایر بنا خرد شد.

این عمل هیروانه مجاهدین که دستخیزند اولین حفاظت سیاسی - سیاسیست دیدار ملک حسین شاه و جنا پیکاران
ایران صورت پذیرفت با سوخت کامل تمام بود و مجاهدین بدون بر جای گذاشتن کوچکترین اثری از خود سالم بیرون
پا پیکار باز گشتند. بعد از این عمل موفق خود که پلیس بر شدت حفاظت خود افزود و نیروهای حفاظتی سلار شرابه
چهار بر اثر این پیکار -
این عمل مجاهدین که نشان دهنده اعتراض و عدم خلین تهران ایران علیه توطئه های طاغوتانه و خونی -
ارتجاع اردن و ایران علیه خائضهای انقلابی منطقه بود - دست در ایطائی انجام گرفت که شاه و ملک حسین - ایندو
جنا پیکار مزدور بیگانه بر سر راه ایران با نشان در و بلا تالی تیشیر در حال طرح نقشه های جنا پیکارانه دیگری علیه خلق
سختی - انقلابی متفلسف بودتند.

اعضای توطئه آمیز و خائضانه نیروهای ارتجاع و امپریالیسم در منطقه تدار ایران تروکده - پاکستان -
اردن - عربستان سعودی و سلطان نشین منقط و عمان این شد و برای آنها نقش حیاتی پیدا کرده است که همه
نیروهای انقلابی در یک جبهه کردن فیرد مسلمانان بر ضد ارتجاع و امپریالیسم میکوشند و خربات کوبنده و منترکی
علیه نیروهای ضد انقلاب وارد میازند - اوچکوبی انقلاب خلق قهرمان فلسطین علیه ارتجاع اردن و صهیونیسم و
اوچکوبی انقلاب خلق تهران بنابر علیه نیروهای استعمارگر انگلیس و توکر دست بسته امسلطان تا بوسه خاش که -
اکنون به وسیله خوک های خود رسیده است و سر انجام اوچکوبی روز افزون انقلاب مسلمانان خلق ایران موجب اصلی این

اتحاد خائضانه و جنا پیکارانه علیه خلقهای انقلابی منطقه است. در این میان ایران بمشابه با پیکار مهم تر
و استراتژیک امپریالیسم و حلقه اصلی توطئه های جنا پیکارانه علیه خلقهای انقلابی منطقه - کانون اصلی این
موج سرکوبی و تروید از جنا پیکار ارتجاع و امپریالیسم خواهد بود - بهمین دلیل انقلابیون ایران در زیر
شدیدترین موج سرکوبی و تروید بسیار است ارتجاع مسئولیت و تدارک بزرگی در پیش رساندن انقلاب مسلمانان خلق -
ایران و پشتیبانی از خلقهای قهرمان فلسطین و شمار بر درین خود حسی میکنند. ما میدانیم نیروهای انقلاب
خلق ایران آخرین تیر خالی ارتجاع و امپریالیسم در حال احتضار در منطقه بوده و مسلماً توطئه های طاغوتانه
- ای که هر روز امپریالیسم علیه خلقهای انقلابی تدارک می بینند در مقابل اراده قزاقان ناپذیر خلق برای
ادامه تیرد انانامی از پیش شکست خورده است.

سکوت و مضمی دستگاری بی تبلیغاتی شاه خاش در مورد این عمل متروانه مجاهدین و سایر علیایا
انقلابی چند هفته اخیر - ظایر انفجار محل سازمان دفاع غیر نظامی - انفجار کلوب شاهنشاهی - انفجار ...
فروشگاه شهسواران - انفجار تماشاگاه صنایع نظامی و انفجار پاسگاههای پلیس و انفجار اتومبیل های
ارتشی و پلیس و خود پاسخ گوینده ای است در رد کلیه اتهامات و خرزه در آلهای بوتسمانی تبلیغاتی -
و زود نامتوئی کلبه تراز و تراز و تراز علیه انقلابیون پاک و شهسواران ایران و نشان دهنده وحشت و ترس
رژیم شاه از وحشت و میسنگی نیروهای انقلابی خلق.

اما اگر کوشش آنقدر لبریز از دروغ و تیرنگی و تهمت باشد که راهی برای شنیدن حقیقت نداشته باشند
این چشمهای باز و حقیقت بین است که بگذراند و پیکارهای پیکار و شرافتمند خواهد آمد.

سجده یک وحدت کلبه نیروهای انقلابی منطقه

پیسروز یاد انقلاب مسلمانان خلق ایران

مرگ بر امپریالیسم و ارتجاع - مرگ بر شاه و ملک حسین خاشین
مزدور *

۵۱ / ۵ / ۱۳ " مجاهدین خلق ایران "

شماره از مجله چهارم

چهار سرریب طاهری اعلام شد

به سر انجام محبت به خدا انقلاب و خیا نشین به مردم فکر کنند و با این سر انجام خونین بیندیشند
در جایش که کارگزاران رژیم جنایت بیته و غارتگر کوشه میکنند که با تهدید و طمع و یادانی فکر نیات
دمن یزنده و ترس از خیا نشین از میان بگردند و خائضین و خود فروغان و ولین نروغان را بخبا
- نتواند و بدست توکرمی خود در اویت که کثیر خائضین در راه کارهای ما تراز خواهد داشت.
مرگ طاهری قاتل - این سنگ پاسدار منافع غارتگران - دشمنان خلق را در ماضی ترس آلود فرو برد.
مرگ طاهری قاتل - همین فرسوی قاتل به دشمنان تم غروره خلق نشان داد که دریا و هر زمان از کوفت خونینی که
در انسان آن است جان سالم بدر نخواهد برد. مرگ این سرکرده گان خاشین و قاتل هتداری است برای هر کس و در
هر مقام که فکر خیا نشین و دمن به انتقام و انتقامیون یا در سر میبردند.
شماره است به هر که به از روی دالت و سر سیردی و از روز سرد جوشی و تمام خواجه و به از روی نادانی
و ضاعت در خدمت ضد انقلاب به انقلاب خلق نیات می کنند.

مرگ بر فاشیسم و عساکر فاشیسم آلت ضلای منفور امپریالیسم
جسودان باد غار - شهسواران قهرمان
پیسروز یاد انقلاب مسلمانان خلق ایران
" مجاهدین خلق ایران " ۵۱ / ۵ / ۱۳

سازمانده از جنبه اول

مجلس شورای ملی و مجلس سنا

جنبش مسلمانان در بلوچستان

«حسته انقلابی باید تئوری انقلابی داشته باشد و از سربازگانی سیاسی گمراه آسوده و برکنار باشد. بی توضیح به تئوری انقلابی است»

که بیای حسته انقلابی که دسته ما را در پیوسته و گامش تئوری تشکیل حسته و با نیروی کثرت از خود گذر ما را در پیوسته گروه از افراد مبارزه حسته شده و حتی بدوی حریقت با هم برکنار و استقلال کشید در پیوسته... (شکله کلیات

از ساعت... یکبارگی اید تئوری حسته از بهترین شرایط ایران و رشد آن است. معنی آنکه با همه تکیه که در حمله بدوی باید تئوری انقلابی مشهور که میگویند می توانست صاحبان هر طرز تفکری را از تشکیل گروه های مشابه باز دارد. هرگز در خود آن توانائی و قد آکاری را سرانجام دارد کسی در دوران انقلاب شرکت کند می تواند دست یاریار حسته سیاسی و نظامی برزند و مشفقان خود را در آن متشکل کند.

مکن است سؤال شود که تا چه زمان این حسته ها جدا از هم و بدون یک رهبری واحد که بتواند مبارزات مسلحانه را هم آهنگ سازد خواهند مساند؟ در این مورد سازمانهای مختلف چون کسب نظرات وادی را بیان کرده اند. رساله در این زمینه میگوید:

«گوشش خاطر تا این حد شدی بهم پیوستن حسته های انقلابی در مراحل ابتدائی امری خطرناک است و امکان پامیرا در مبارزه با آن ها افزایش میدهد... افراد انقلابی که بصورت خروج از کشور میروند و با افزایش انقلابی زندگی خود را وقف تک اید انقلاب کرده اند وظیفه دارند در اولین فرصت مراکز تدارک انقلاب را در مساهدترین سزومینها تشکیل دهند. نه ای از این افراد باید تئوری خود را صرف همانک ساختن حسته های انقلابی در داخل کشور بکنند. در صورت امکان مستقیماً برای تشکیل حسته های انقلابی در داخل کشور اقدام کنند. بنابراین چنین مراکز و مسئله از سازمانهای قدیمی سیاسی در خارج از کشور تشکیل نشود که حسته های انقلابی از تدریج شدن یک جریان است و وسیع صورت خواهد مساند».

و انقلابی سیاسی سازمان مجاهدین خلق در این باره چنین میگوید: «بر این اساس ما همیشه در این هم اکنون باید حسته های انقلابی خلق در گروهها و سازمانهای مستقل به فعالیت مسلحانه خود بر طبقه دشمن ادامه دهند. آنها فقط در میدان عمل فرصت آفرین خواهند یافت تا با برخورد نظراتشان از تجربیات دیگر استناد نهوده و زمینه را برای ایجاد یک جبهه متحد سیاسی فراهم نمایند».

بطور کلی در زمینه وحدت گروههای انقلابی در پیوسته مطرح است: یکی وحدت تمام گروههای مبارزه مسلحانه که دارای اید تئوریهای مختلف هستند تحت عنوان جبهه آزاد میفرماید که بدین استوری شعارهای مشخص وحدت نهوده و مبارزه خود را در کار این شعارها همگن میسازند و دیگری وحدت سازمانی گروههای دارای اید تئوری مارکسیستی است که زمینه ایجاد حزب طبقه کارگر را فراهم خواهند کرد. در زمینه وحدت کلی گروههای باطنبار نظر مجاهدین خلق "فوق اشاره شده. در این باره اعلام میسند: "جبهه آزاد پیشانی ایران" چنین توضیح میدهد:

"جبهه آزاد پیشانی ایران در شرایط کنونی کشور ما مبارزه مسلحانه را روش اساسی خود قرار داده و اعلام میکند هر فرد و هر سازمان ایرانی میتواند در راه رسیدن به هدفهای زیر بصرف ج ۱۰م ۱۰۰۰ پیوسته... ج ۱۰م ۱۰۰۰. منظور ایجاد یک جریان سیاسی متحد که بتواند رسالت رهبری جنبش را بعهده بگیرد بوجود آمده و باید خلا رهبری را که امروز برای نیروهای راستین انقلابی گمراه محسوس است بپر کند. باین ترتیب ج ۱۰م ۱۰۰۰ از اتحاد و تشکل سازمانها و گروههای انقلابی داخل و خارج بوجود میآید. با اینسن تکیه قاطع که سازمانها و گروههای انقلابی بخش اساسی متحد که میدان مبارزه خود را هم چنانکه سازمانهای مبارز داخلی نشان داده اند در داخل کشور میگویند که در نیروها و امکانات خارج از کشور را در اختیار مبارزه تعیین کنند و داخلی میگازند. اما ج ۱۰م ۱۰۰۰ بصیج وجه در نظر ندارد گروهها (واحد ها و سازمانهای مسلح انقلابی در داخل کشور) را در غم کند... شعرا و هیات اجرایی ج ۱۰م ۱۰۰۰ و مراکز آن در خارج اساساً در منطقه قرار خواهند داشت و بر سر یک میانی که از جانب خود سازمانهای مستقل بر کرده میشوند با آنها ارتباط برقرار خواهند کسرد.

اما وحدت گروههای مارکسیست-لنینیست و ایجاد حزب طبقه کارگر که در پیوسته انقلاب و سرخوشی آن نقش حیاتی دارد و بدین وجه و در مسیر انقلاب فراهم میشود. در این مورد جزوه "عملی از شرایط جامعه ایران یا جنگ مسلحانه هم استراتژی هم تکیه نوشته چریکهای

قدای خلق (اشرفی شهبه مسعود احمدزاده) چنین توضیح میدهد:

"... امروز مسأله با این ظاهر است و دراهی چگونه بر پیوسته میسند؟ مسأله پیوسته نباید منتظر سبب شد. باید دست مبارزه مسلمانان زد. خواهند گفت پیوسته را چکار میگوید. میگویند مسئله حزب برای ما که پیشگامی است نه ای که در پیوسته مبارزه مطرح خواهد شد. حزب مستش طبقه کارگر را برای چه میسازیم؟ برای تا این همگونی بر بنیادها که در آنه انتظاری تا مرحله میسازیم... ما باین درام که برای تا این همگونی بر بنیادها... اتحاد گروهها و سازمانهای پیوسته در یک حزب واحد ضروری خواهد بود. اما اینسن مسئله اینک پیشگامی و کثرت برای ما مطرح نوسند که با نظم باید که مسئله مطرح خواهد شد. مسأله پیوسته در پیوسته اتحاد خلق بدور این سازمانها که حزب و مسند طبقه کارگر را تشکیل خواهد داد... بدین ترتیب ایجاد حزب طبقه کارگر یک هدف مشخص نیست که مبارزه مسلمانان در خدمت هدف است آن قرار داشته باشد. بلکه مشخص کننده مرحله ای جدید در مبارزه است مرحله ای تا این همگونی بر بنیادها چون مسئله ای مشخص و هم مطرح خواهد شد. سابقاً ضرورت مبارزه مسلمانان را بطور کلی مورد پیوسته و ایجاد حزب مسلمانان یک مسئله مشخص مطرح بود. اما اینک مبارزه مسلمانان بصورت یک مسئله مشخص مطرح است و ضرورت ایجاد حزب را بطور کلی مسند بریم».

طن یکسال و تنی که از شروع های مبارزات مسلمانان میگردد که حرکت کرده ها و سازمانهای مبارزه مسلمانان در جهت وحدت بوده است. و از جانب دیگر گروه های وابسته به جریانهای سختی روز بروز در معرض تجزیه و انشعاب قرار گرفته و افراط بدیده خود این گروهها به حسته های چریکی پیوسته اند. در حالیکه کوچکترین گوشه مستقیمی از جانب گروههای انقلابی برای این تجزیه و انشعاب نگهانیام نگرفته است.

تجزیه یکسال و نیم اخیر نشان میدهد و اینست که نحوه سازماندهی گروه های مبارزه مسلمانان در ایران که بر اساس نظرات فوق انجام گرفته نتایج درخشانی را به دست آورده بطوریکه در این مدت کوتاه این جنبش پیوسته تئوری بر توان و کثرت تکیه بری مبدل شده است. پیوسته نیست که جنبش ملی این مدت تا وجود حاصل ثلثات زیاد که شامل نزدیک مسند و هزارها پیوسته بازداشتی در سراسر کشور و اعدا و ه؛ تسن کشته در میدان نبرد که پیوسته قدرت و استوار به پیش میسرود و هر روز قوه جدیدی به رژیم وارد میگردد. امروز در حالیکه تعدادی از کاد و رهبری در طی عملیات و یا بوسیله جبهه اقدام شهبه شده اند اما کثرت و کیفیت جنبش از همیشه رساتر و غنی تر است. در حالیکه جنبش بصورت از دست دادن قهرمانان و دلایرانی نظیر صفائی قهرمانان صفائی آشتیانی، محمد حریف نژاد، ناصر صادقی، بیوان که صدای نژاد احمدزاده و بدین زانگان اند میگویند است اما با این واقعیت پیوسته که این شهبه با فغانسها بی پیوسته مسند و به نجس و باور کسرد تنی که جاسید خان با انفراد تازه پیوسته میشود. دیگر خودتین ترین مستقین در ضمن پذیرفته اند که از طریق اقدام و کثرتسار راه پیوسته نخواهند مسند.

مسئله آخری که قابل توضیح است رابطه و هم آهنگی و هم بستگی مبارزات مسلمانان و پیشروان جنبش با مبارزات و جنبشهای صنفی و سیاسی مردم و طبقات و افشار معدوم و زحمتکش وطن است. باید توجه داشت که جنبش با این مسئله توجه خاص داشته و آنرا روز نوسند جنبش و بالاخره چیزی آن میدانند. در این مورد رساله چنین میسازد: "افراد که برای خود تجزیه کافی در ایجاد این حسته ها (حسته های سیاسی - نظامی - ۱۹ - بهمین) سراغ ندارند و یا صراحتاً چنان قد آکاری را در خود نمی بینند میتوانند قسمتی دیگر از تدارک انقلاب را بدوش بگیرند. این افراد میتوانند گروه های سیاسی - صنفی تشکیل دهند. این افراد نیز باید تئوری انقلاب را در نظر داشته باشند و چریکهای گرداننده و فعالیتهای عمومی باشند. این حسته ها میتوانند فعالیتهای صنفی و عمومی را در کارخانه ها، مدارس و دانشگاهها و دیگر صنف و دامن زده و در جهت خاص و بسود تدارک انقلابی حرکت در آورند. چنانچه برای گروههای سیاسی - نظامی امکان داشته باشد که بهرمان خود گروهها یا قشرهای سیاسی - صنفی از افراد ذخیه تشکیل دهند باید در دست کنند که بهیچوجه فعالیتها را در گروه بهم راه نیانند و بخصوص حسته انقلابی از نظر حسته صنفی در استتار کامل بیانند...

ایجاد حسته های انقلابی تدارک جنبش مسلمانان عمومی است و باید با یک جریان سیاسی انقلابی و یک تئوری نظامی با قدرت منتهی میگردند»

مسند در صفحه هفتم

افغانستان نیز جلو گیری میشود. طبیعتی است که در چنین وضعی هر بلخ آگاه بنگر رهائی از اشعار سیاسی، اقتصادی و فرهنگی رژیم شاه می باشد.

حال این ناراضی مردم بلوچستان ایران صبر به پیدایش یک نهضت آزاد یعنی در آن مسر زمین گشته و دولت ایران را سخت آشفته کرده است. اخیراً عودت به بلوچستان ایران سفر کرده و در طی نظرباشی به عوامل باصطلاح "خوابکار" اعلام خطر کرد. ارتش و علاوه بر پایگاههای پیش در زاهدان و زابل و یک پایگاه دیگر هم در نزدیکی سبز پاکستان برپا کرده تا شاید بتواند از تماس بلوچهای ایران و پاکستان جلوگیری کند. در آنطرف سبز و مردم بسو - چستان پاکستان که تعدادشان خیلی بیشتر از بلوچهای ایرانست و از آزادی بیان بیشتری نیز برخوردارند، دست به شکایت از مزاحمت ارتش ایران زده اند و بر آن شده اند که به مقاومت بلوچستان ایران کمک برسانند. آنان بشدت نگران سزوشد هم طبیعتی فقیر تر خود در بلوچستان ایران می باشند، و چند ماه پیش که شاه خواهرش اشرف را برای بررسی وضع بلوچستان پاکستان بدانجا فرستاد، نظا - هرات خرمی بر شد. او و رفیق جمعی پاکستان کاد نمید.

آغاز جنبش مسلمانان در بلوچستان ایران کام بزرگی به جلوست بشرطیکه این جنبش با اید تئوری مترقی رهبری کرد و در فکر آزادی نه تنها مسردم بلوچ بلکه تمام خلقهای ایران باشد.

رهبران جنبش مسلمانان بلوچستان باید پیوسته که تا می توانیم منتع برهائی مرد پیوسته آنها نخواهد کشت. مردم قهرمان ویتنام ثابت کرده اند که تلفیق اید تئوری مترقی و فنون جنگ چریکی بزرگترین ارتشهای دولتی جهانرا شکست خواهد داد چه رسد به ارتشهای جنگ ندیده و تن بر شاه و سزوشد. در منطقه خود ما هم مردم کردستان عراق به تمهاتی ارتشهای عراق و سوریه و تئوری هوش ترکیه را شکست دادند. مساطمینان داریم که خلق بلوچ در رسدات و در آمان کی کزی برای پذیرفتن یک اید تئوری مترقی کمتر از هیچ خلقی دیگر نیست. اکنون باید هدف ما این باشد که به پیوسته از مشور جبهه آزاد یعنی طس ایران ارتش شاه را در تمام مناطق ایران هم در سسر و هم در روسنا، به سسر بکنیم. مسأله هرچه زودتر باین هدف نائل آیم زودتر خواهیم توانست بسردن مشن مشترک تمام خلقهای ایران پیوسته شده و جمهوری دگرانیک خلقهای ایران را بنیان گذاریم.

پیروزی یاد مبارزه مسلمانان خلقهای ایران علیه رژیم خانق شاه

مجلسه هفتم

مختصری در باره خصوصیت سازمانی و

واقع یکسال و نیم اخیر (با وجودیکه زمان کوتاهی است) نشان میدهد که چگونه احداثات مسلحانه چریکی روی مبارزات عمومی سیاسی و فلسفی طبقات و اقشار محروم و زحمتکش و روشنگران اثر گذارند و آنها امکان بروز و نمایش داده است . اعتصاب و نظامات خونین کارگران جیت باقی چنان که اعتصاب کارگران پازیشگاه آبادان ، اعتصابات کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی و سایر اعتصابات و اعتراضات بزرگه و کوچک کارگران و دهقانان در نقاط مختلف ایران و اعتراضات و اعتصابات فرهنگیان و دانش جویان در دانشگاههای سراسر کشور هتکی نشان دهند تا تاثیر مبارزات مسلحانه در بحرکت آوردن توده های محروم و نیروهای خلق طبقه رژیم شاه است . بیسه بگر سخن مبارزات اقتصادی و صنعتی که روز بروز وسعت میگردد که بدون اترساعات مستقیم با گروههای سیاسی - نظامی انجام میدهد بزرگه و این تحت حمایت و تاثیر عمیق جنبش مسلحانه است . جنبش علاوه بر تکیه روی تلفیق مبارزات مسلحانه با مبارزات سیاسی - فلسفی و اقتصادی روزبزه توده ها که باین نکته مهم توجه داشته و هم چنین آماده است که از هر فرصتی که در آید بهره برد آید که بدون غافلگیری در صحنه سیاسی دخالت کرده و تاکنیکهای خود را بسا تغییرات و تحولات سیاسی منطبق ساخته و در عین حال میدان را برای ایوروژیستهای چپ و راست خالی نگدارد . بدون اینکه تسلیم خوش باوری شده و تدارک نبرد مسلحانه خود را متوقف سازد . در این زمینه -

انلامیسه جبهه آزاد بیخشن ملی ایران توضیح میدهد :

" ما باید از کلیه نمایات مخالف رژیم بهره ببریم . هر جنبش عمومی که عر اعتراض و اعتصاب را تقویت کنیم و از آن در جهت گسترش نمایات مصالحه مردم بهره ببریم . پس باین دلائل است که جبهه آزاد بیخشن ملی ایران اعلام میکند که " در شرایط کنونی کشور ما مبارزه مسلحانه را روش اساسی خود قرار میدهد " . طبیعی است جنبش ناگزیر و در عین حال آماده است تا از هر فرصت سیاسی و اجتماعی در آید بهره ببرد و با تغییرات و تحولات سیاسی و اجتماعی که تاکنیکهای خود را منطبق سازد بی آنکه تدارک نبرد مسلحانه خود را متوقف سازد " .

اعتصاب تاکسیرانان اصفهان

روز پنجشنبه ۲۳ شهریورماه ۱۳۵۱ کلیه رانندگان تاکسی در اصفهان ، بعلت فشارهای بیحد و حصر شهرداری و اعتراض باخطارهای جدید شهرداری که برای آنها غیر قابل اجراست ، دست از کار کشیدند . در اصفهان حدود هزار و دویست دستگاه تاکسی وجود دارد که کلیه آنها در روز اعتصاب در کارا و عا مانده اند . مقامات شهرداری ، استانداری و سازمان امنیت مثل همیشه سخت بدست و پا افتاده و با اعمال فشار و تهدید به رانندگان و متدیکهای تاکسیرانان کوشش نمودند بااعتصاب پایان دهند . روزنامه کیهان هوائی ۲۳ شهریور خیر مختصری در این باره منتشر کرده است .

ناید از صحنه ششم

انقلابات و رویه انحصاری

در مورد انتقادات و تیراندازی کسری به اعلامیه شماره ۴ و مجاهدین فلسفی مراجعه کنید .

نسبت قهرمانانه احمد زینبیم از چریکهای فدایی فلسفی با نیروهای دشمن

در ساعت ۵ صبح روز شنبه ۲۲ مرداد هنگامیکه احمد زینبیم چریک شجاع برای انجام مأموریتی با نیرویسیکته حامل سیم ساعتی از نازی آسمان پلکرف مرکز شهر در حرکت بود ، در سوپسل چواری با مأمورین پلیس نیرو مشهور و پس از یک تیر سفت و خورین و طولانی و جنگ و گریز بسیار ، از یاد آوردن چند تن از عناصر دشمن ، شد شهبه میشود .

نکته مهم در این زد و خورد ، بیان دیگر چریکها در وجه عالی زینبیم و احترام عمیق بتوده ها و رعایت کامل شرف و مسرد انگلی حتی در سخت ترین لحظات زندگی کیش بوده است . در این باره نقل قول از یک روزنامه مزدور رژیم اشیات بدست :

روزنامه کیهان ضمن ترفیح جریان واقعه مینویسد :
 " . . . بتول ناصحی مادر خانوادہ ای که احمد زینبیم در خانه شان کشته شد ماجرا راجعین بازگو کرد : من تازه از خواب بلند شده بودم . شوهرم ابوالقاسم تازه از مسجد برگشته بود و در حیاط نشسته بود . یک قدم در پیروزه دیدم مردی که لباسهایش خون است (زینبیم قبلا تیر خورده بود) اطلعه بدست روی پشت یام ایستاده است . بعد از نرد بان یاکین آمد و سگینه و پسر کوچک را به زیر زمین برد و مدت بی روی بله ها ایستاد و پشت باصهای اطراف را نگاه میکرد باواصرار کردم که بگذارد منم پیش جبهه هایم بروم ولی او میگفت با توکاری ندارم مادر . بعد هم از من چادر خواست منم یک چادر کهنه باو دادم و آن را به کمرش بست . مقداری پول هم از جیبش در آورد و خواست پول چادر را بدهد ولی من قبول نکردم . وقتی من باز هم اصرار کردم که بگذارد من پیش جبهه هایم بروم موافقت کرد و مرا به زیر زمین ببرد " .

استدام انقلابی معیبد طاهری

صبحگاه روز یکشنبه ۲۱ مرداد ۵۱ در ساعت ۶ و ده دقیقه حکم اعدام انقلابی خلق در مورد مرتجی معیبد طاهری جلالت توسط یک گروه از نمایندگان خلق بمورد اجرا گذاشته شد . بعد از اجرای حکم سلاح کمری و کلاه نظامی طاهری خاشاک و قاتل مصادر شد و مجاهدین بسلامت بیابگاه خود بازگشتند . (مشروح این عمل انقلابی و قهرمانانه در اعلامیه سازمان مجاهدین خلق ایران که در همین شماره چاپ شده است . آمده است)

نیسادت شجاعانه مهدی رضایی از مجاهدین فلسفی

مهدی رضایی هنگام شهادت ۱۹ سال و دو ماه داشت . او از افراد برجسته سازمان مجاهدین خلق ایران بود . برادرش احمد چند ماه پیش در برخورد با نیروهای دشمن دلاورانه شهید شد و

علیات و رویه انحصاری

برادر در شورشها نوسند و دشمنان باواک در سنگیر و تحت سخت ترین شکنجه ها قرار گرفت ولی قهرمانانه از دست جلادان گریخت .

مهدی رضایی چریک قهرمانی که طی زد و خورد با مأمورین دشمن اسیر شد تمام شکنجه های فزونی و سزائی جلادان رژیم را با شجاعت بی نظیری تحمل کرد ولی هیچ ننگت . رژیم خیلی کوشش کرد شاید بتواند اراده آهنین این سوار لاجوج را درهم بشکند و ابرو او را بریده لایم کند . وده های بسیار باور داده شد تا آنجا که حتی در بیدارگاه نظامی و ناپیشی که رژیم برای او ترتیب داد از این کوشش دست نکشید . ولی مهدی با بیخند به تمام رنده های آنان و دفاع بیازانه ، آنها را شکست داد . مأمورین دست رژیم شاه پس از هر جلسه

دادگاه شد بدترین شکنجه و توهین را نسبت با اعمال میداشتند . آنها از اینکه مهدی رضایی با دلیری و در عین حال آگاهی قابل توجه پس بدفاع پرداخته و جواب های دندان شکن بدادستان نظامی میدهد خشمگین بودند . آنها از او مینخواستند که در مقابل ابطال دادستان چیزی نگوید و بخصوص به " خانوادہ جلیل سلطنت سلطنت " اسامه ادب نکند . ولی او طریقم این شکنجه ها هر روز پیش از پیش برده و دری از رژیم فاسد و " خاندان جلیل " می برد از . حتی روزنامه های مزدور و فرمایشی که تنها به چاپ سفزانیهای مبتذل دادستان و اراجیف باصلاح وکلای مدافع اکتفا کرده بودند نوشتند که :
 " مهدی رضایی اسریر کلیه اتهامات خود را جز ضدیت با سلطنت مشروطه را رد کرد " رژیم که از اینجمله دلاوری مهدی رضایی زخم دار شده بود ، پس از محکومیت او باعدم شکنجه او را بحسد اعلسی رساند . گفته میشود که مهدی را قبل از انقضای دوره فرجام قانونی زیر شکنجه کشتنک و سپس اعلام کردند که مهدی رضایی در ۱۶ شهریور ۵۱ تیرباران شده است .

برهیدن پاسکاهای پلیس از خیابانهای تهران - اهواز - اصفهان و شهرهای بزرگ

از آنجا که پاسکاهای پلیس که سر چهارراه های خیابانهای تهران و شهرهای بزرگ برای ایجاد مزاحمت برای مردم و کنترل بیشتر انقلابیون و هدفهای خوبی برای حمله چریکها بود و تاکنون چندین واحد از آنها بوسیله چریکها نابود شده بود ، لذا بدست مقامات ملکی این پاسکاه ها برجیده شده اند .

خبر سردیگری حاکی است که شهرداری و ارتش بافسران و درجه دارین خود دستور داده است که در مواقع مرخصی از پوشیدن لباس افسری خوداری کنند .

سیاست توطئه سکوت کامل در مورد علیات مسلحانه

رژیم شاه که در اثر ضربات هلاکت بار بیشتر اولان جنبر بحالت نافی کامل در آید تصمیم گرفته کوچکترین اطلاعی در مورد علیات چریکها ندهد .

زنده باد مبارزه مسلحانه که تنهاراه رسیدن به آزادی است !

عملیات و رویدادهای جنبش مسلحانه

انفجار و آتش‌سوزی در مخازن نفت و بنزین در یازگان
باشگاه تهران

در ساعت ۹/۲۰ روز دوازدهم تیرماه ۵۱ انفجار مخازن نفت و بنزین باشگاه آتش‌گشایه مشهد و عملیات مبارزه کردن آتش و خاموش کردن آن توسط مأموران آتش نشان سازمانها طول میکشد. مقامات پلیس و ارتش که از نفوذ چریکها به پایگاههای ارتش سخت‌بهره‌شست افغانه و نگران شده بودند برای نتیجه طلب، فوراً اعلام کردند که معینی و انفجار در اثر بی‌احتیاطی راننده تانکر نفت بوده است.

اعلامه های چریکهای فدائی خلق و مجاهدین خلق
در باره مسافرت نیکون با ایران

چریکهای فدائی خلق ایران طی اعلامیه مورخ ۵۱/۳/۱۱ خود اعلام داشته‌اند که عملیات زیر که به‌مناسبت مسافرت نیکون، سرانجام جنبانگاران جهان، با ایران انجام گرفته توسط چریکهای فدائی خلق اجرا شده است: انفجار راننده قطعی کویا، ساختمان روشن اسود جنرال و توری، شرکت نفت صارین، دفتر شرکت‌های عامل نفت، نابود کردن دو اتومبیل اداره مستشاری نظامی آمریکا در مقابل هتل انترناشنال و چند انفجار در مسیر حرکت نیکون به یازگان رضاعان.

صیحه‌اشدین خلق در اعلامیه مورخ ۵۱/۳/۱۰ (اعلامه شماره ۳) عملیات زیر را که به‌سبب مناسبت انجام گرفته از خود دانسته‌اند:

انفجار حامل ژنرال هارولد پرایس امریکائی - انفجار در اداره اطلاعات آمریکا - انفجار در قفسر رضاخان چند لصد قبل از ورود نیکون برای گذاشتن دست گل - انفجار در ساختمان انجمن ایران و آمریکا - انفجار در ساختمان انجمن ایران و انگلیس.

تیرس مسلحانه عباس جمشیدی رودباری از فرماندهان چریکهای فدائی خلق

در روز و شبوری که بین جمشیدی رودباری چریک دلاور و مأمورین دشمن در ساعت ۶ صبح روز ۱۵ تیر ۵۱ در خیابان لاله زار تهران رخ می‌دهد، جمشیدی رودباری چریک از جوانانسه و از پای در آید چون تن از عوامل دشمن شهبند میشود. مطالب تصویر است که این چریک تهران در موقع برخورد مسلحانه با دشمن تمام کوشش‌هایش را صرف کرده در این برخورد مسلحانه به مردم کویکسرس آسین نرسد. عباس جمشیدی رودباری در بسیاری از عملیات مسلحانه چریکی شرکت داشت و با بی باکی و در همین حال آرامش بی‌ظن رهبری چند فقره از عملیات را به‌عهده داشته. عباس رودباری همی هم در نبرد روز ۱ سپرماه ۵۰ با نیروهای دشمن جنگید. در این روز همی رودباری با مسلسل جنگید و دلاوری او موجب شد که جمشیدی رودباری واحد زورم بتواند فرار کند.

انفجار بمب در انجمن ایران و آمریکا شمسراز

در روز سه شنبه ۱۲ مرداد ۵۱ انفجاری در انجمن ایران و آمریکا رخ می‌دهد که شمسراز به خسارت‌های زیادی ساختمان و تاسیسات میشود.

تیرس ۴ ساعتی محمد صفاری آشتیانی از رهبران و فرماندهان چریکهای فدائی خلق ایران

مسانده در صفحه پنجم



محمد صفاری آشتیانی

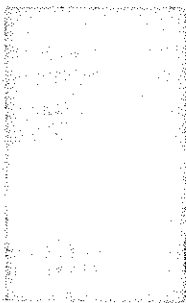
محمد قیسروسان

دوشین از چریکهای فدائی خلق

ویک تن از مجاهدین خلق بودند

رای هر سه تن برای یک هدف، سرنگونی

رژیم شاه جنگیدند و شهید شدند.



محمد آشتیانی



محمد صفاری آشتیانی

فهرست عوامل رژیم

عملیات ضدین چریکهای شهری بخصوص در زمینه تاهود کردن عوامل سر میروند. ی رژیم ۲ مأمورین منفور ساواک و اطلاعات شهبانی ۲ چنان تریس در این مأمورین ایجاد کرده است که از حد خارج است. از آنجا که معمولاً عملیات چریکهای شهری در تهران و شهرهای بزرگ انجام میگردد، اینها برای فرار از انتقام پیش‌تر اولان خلق کوشش میکنند خود را به شهرستانها و قصبه‌های آنجا منتقل کنند، در حالیکه تا قبل از شروع مبارزات مسلحانه همه‌ی اینها صغسی داشتند در پایتخت و شهرهای بزرگ که از امکانات و نهضت بیشتری برخوردارند. بمانند.

کوشی این ظلم تنظیم اقتصادی کافی نبود، مردم بلوچستان، مانند سایر ملتهای اقلیت ایران، از استقلال فرهنگی نیز بیبهره‌اند. در بلوچستان ایران هرگونه مظهر فرهنگ زنده بلوچ سرکوب میگردد و از برقرار کردن تاصهای فرهنگی با سایر قسمتهای بلوچستان در پاکستان و مسانده در صفحه ششم

روحیه عالی مردم

جنبش مسلحانه چریکی در تقویت روحیه مبارزه جویانه و مقاومت مردم ما نیز نقش عمده‌ای داشته است. پاس‌بود بینی و عدم اعتماد بنفسی که نتیجه‌ی مسانده در صفحه چهارم

سجگرومیت لسه شیر زن در بلوچستان

بیدادگاههای نظامی سه شیر زن دلیر: اشرف دهقانی (جمله پیرشای ایران) - شهین توکسی و رقیبه دانشگر را پس از شکنجه‌های غیر انسانی و طولانی به‌صاحه کشانند و هر کدام را به ده سال زندان محکوم کردند. اشرف دهقانی که به جلیله‌ی ایران معروف شده است به‌مناسبت تحمل شکنجه‌های وحشیانه و مقاومت دلیرانه در مقابل دشمنان بیست فریاده و اصالح شرم آور آنان که زبان از بیان آنها شرم دارد، حماسه جلیله را کهنه کرد. دوشین شیر زن دیگر: شهین توکسی (همسر قهرمان شهید معین آریسن) و رقیبه دانشگر نیز گلیم شکنجه‌های غیر انسانی جلادان منفور ساواک را با استقامت و پایداری بی‌ظنری تحمل کردند و به شرف و آبران مبارزه خونین با رژیم شاه و تدارک مسانده.

خلق بلوچستان بدین شک یکی از فقیرترین خلقهای روی زمین است. در این قرن جاری استعمار شندیس مالکین و مأمورین دولت ایران، بافغانی به‌سبب شدن جریان رود هیرمند توسط افغانستان، چنان اقتصاد روستائی و عقب افتاده‌ی این سرزمین را بی رونق تر از گذشته نموده که قطعی و شیخ امراض سرسی پدیده‌های آشنا و پیش‌پا افتاده‌ای برای مردم گشته‌اند. همانطوریکه میدانیم بعضی از معلمین بلوچستان هر روز مجبورند که محصلین خود را برای جرا به مزارع ببرند و البته غلغله‌خواری احتیاجات غذائی انسان را بر طرف نمیکند و بالاخره منجر به مرگ میگردد.